

و زیادت از آنچه از قبیل نای خورم اهبان برای وی قوی مقرر
 ساخت و کوفته ان را بوی که آشت و با خیمه بی از شیبانان
 روان شد چون بدین رسیدند رسول صلی الله علیه و سلم با اصب
 نشسته بود چون چشم وی بر اهبان افتاد گفت ای اهبان آن که
 و فکر دبا بیخضامن شده بود اهبان با همه تمسراتان ایمان آورد
و از آن جمله گفت کیلی از اصب رسول صلی الله علیه و سلم گفته است
 که مردی برای رسول صلی الله علیه و سلم طعام آورد ما خوردن گرفتند
 رسول صلی الله علیه و سلم گفته و بخامید هر چند چید کرد یکلوی وی
 فرو رفت آنرا بیدخت و از طعام باز ایستاد چون آنرا بدید ما
 نیز باز ایستادیم رسول صلی الله علیه و سلم صاحب طعام را بچو اند گفت
 ما را خبر ده که این گوشت از کجا بوده است گفت یا رسول الله گو
 بود از آن صاحب من و وی حاضر نبود من بچیل کردم و آنرا بگشتم
 بر نیت آنکه چون بیاید بهای او را بوی دم رسول صلی الله علیه و سلم
 مر عباس فرمود که آنرا بردارند و کسیران را با آن طعام گشتند
 که روزی رسول صلی الله علیه و سلم مر عباس رضی الله عنه

گفت یا ابا الفضل در خانه خود با من نامی بیار جانش تهاه خانه وی در آن
 و بر اهل بیت سلام گفت و ایشان نیز بروی سلام گفتند پس از آن
 گفت بهم نزدیک نشیند پس بردای خود را بر ایشان بوشید گفت
 خداوند اینها اهل بیت منند ایشانرا از آتش و زنج بیوشان
 چنانکه من ایشانرا بردای خود بوشیدم از آستانه در و دیوار
 خانه او از بر آمد که ابعین این **و از آن جمله گفت** که روزی خوالون
 مهاجر و انصار مجسمی داشتند پیش رسول صلی الله علیه و سلم و هم دعا
 کردند که فاطمه زینب رضی الله عنها در آن مجلس حاضر شود حضرت
 فاطمه رضی الله عنها بوسطه آنکه ویر اجامه که مناسب آن مجلس
 نبود و در رفتن لعل می نمود رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که برو که طریقه
 مانه التفت که کسی را نومیذ کرد اسم فاطمه رضی الله عنها یا نشویر نام
 در آن مجلس حاضر اند و مجسمه بر خود باز گشت اطهار ملالت نمود رسول
 صلی الله علیه و سلم فرمود مایگی از زمان آن مجلس طلب داشتند
 و از وی حال آن مجلس را بر سیدند گفت که چون حضرت فاطمه بیان
 جمیع در آنده حاضران در جامهای که بوشیده بود صیران مانند تو

گفت یا ابا الفضل